

# جنگی با سه تریلیون دلار هزینه

ژوزف استیگلیتز و لیندا بیلمز

برگردان: محمدتقی حسینی\*

## درآمد

نمی‌کنند که بسیاری از هزینه‌ها را نمی‌توان با عدد و رقم برآورد کرد. نوشته حاضر تلخیص و گزارشی از این کتاب ۳۱۱ صفحه‌ای است. هرچند که مطالب فراوان مندرج در این کتاب در نوشته حاضر جای نمی‌گیرند و توصیه می‌شود تا علاقه‌مندان اصل این کتاب را به زبان انگلیسی مورد مطالعه قرار دهند. اما این مختصر کمک خواهد کرد تا کسانی که فرصت خواندن این کتاب را ندارند تصویر کوچک شده‌ای از آن را به زبان فارسی ملاحظه کنند. این کتاب شامل یک مقدمه و هشت بخش می‌باشد و مباحثی همچون واقعیت سه تریلیون دلار، هزینه‌های تحمیل شده بر بودجه ملی، هزینه درمانی سربازان، هزینه‌هایی که دولت پرداخت نمی‌کند، اثرات جنگ بر اقتصاد کلان، پیامدهای جهانی، خروج از عراق و پند گرفتن از اشتباهات

«هیچ تردیدی نیست که تهاجم به عراق یک اشتباه فاحش بود.» این جمله آغازین کتاب ژوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل در اقتصاد و لیندا بیلمز تحت عنوان «جنگ سه تریلیون دلاری، هزینه واقعی درگیری در عراق»<sup>(۱)</sup> می‌باشد که در سال ۲۰۰۸ توسط موسسه پنگوئن روانه بازار کتاب گردید. کتاب دارای استنادات زیادی در مورد هزینه‌های جنگ است و حقایق زیادی را در مورد جنگ آمریکا در عراق به اطلاع خوانندگان خود می‌رساند. این اثر تنها یک مخالفت سیاسی با جنگ آمریکا در عراق نیست. بلکه با اسناد و مدارک متعدد نشان می‌دهد که هزینه‌های این جنگ در حال حاضر و در آینده برای اقتصاد آمریکا و جهان چقدر سنگین است. نویسندگان کتاب البته فراموش

\* دکترای علوم سیاسی

Email: taghiho2005@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۷/۹/۲۲

تاریخ ارسال: ۸۷/۸/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال هفدهم / شماره ۴۹ / زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۸۳-۱۹۲

و اصلاح برای آینده را دربرمی گیرد.

پرهزینه بود. هزینه های عددی این جنگ برای امریکا بالغ بر سه تریلیون دلار خواهد بود. اگر هزینه کشورهای دیگر را نیز به این رقم بیفزائیم آنگاه این رقم تا دو برابر افزایش می یابد. توجه این کتاب به سه تریلیون دلار هزینه این جنگ و هزینه های امریکا در دهه های آینده است. نکته دیگر این است که چرا هزینه واقعی جنگ تا این حد فراتر از ارقامی است که دولت جورج بوش و مقامات تصمیم گیر در ابتدای کار ارزیابی می کردند. اما از جانب دیگر این کتاب در مورد تنها یک عدد هم نیست. با بررسی هزینه ها درک بهتری از تبعات جنگ خواهیم داشت و احتمالاً یاد می گیریم که چگونه از عراق با خسارت کمتری خارج شویم.

### سه تریلیون دلار هزینه برای یک جنگ

تاکنون حدود چهار هزار سرباز امریکایی در عراق کشته شده اند. بیش از ۵۸۰۰۰ نفر مجروح و معلول یا شدیداً بیمار شده اند. علاوه بر این ۷۳۰۰ سرباز هم در افغانستان معلول و مجروح شده اند. یکصد هزار تن از سربازانی که تا کنون از میدان جنگ در عراق بازگشته اند از مشکلات روحی و روانی جدی رنج می برند که برخی از مشکلات آنان برای همیشه باقی خواهند ماند. هرچند عراق در زمان صدام حسین نیز در مشقت و بدبختی به سر می برد اما اکنون زندگی برای عراقی ها به مراتب سخت تر شده است راه ها، مدارس، بیمارستان ها، خانه ها و موزه ها تخریب شده اند و شهروندان عراقی دسترسی کمتری به آب و برق و امکانات رفاهی دارند. این ادعا که «تهاجم به عراق دموکراسی را به ارمغان می آورد و تغییرات دموکراتیک در خاورمیانه را در پی خواهد داشت» اکنون به یک شوخی شباهت پیدا کرده است. آنگاه که هزینه های جنگ پرداخت شوند تریلیون ها دلار نیز به قرض های امریکا افزوده خواهند شد. هزینه های انسانی جنگ خیلی بیشتر از این است. اعداد نمی توانند درد و رنج کشته شدگان و مجروحانی که همواره نگران زندگی خود هستند، را ترسیم کنند. اما با این حال ضروری است تا درکی درست از هزینه های جنگ داشته باشیم. این جنگ هم در زمینه انسانی و هم در زمینه بودجه و سرمایه

### بی اعتنایی به تجربه های گذشته

امریکا از گذشته درس هایی را پیش روی خود داشت. در جنگ ۱۹۹۱ در خلیج (فارس) که حدود دو ماه به طول انجامید ۶۹۴۵۵۰ سرباز به منطقه اعزام گردید. ۱۴۸ سرباز امریکایی در جنگ کشته شدند و ۴۶۷ تن نیز در درگیری مستقیم زخمی گردیدند. متحدان امریکا (عمدتاً عربستان سعودی و کویت) بیشترین هزینه های جنگ خلیج (فارس) را پرداخت کردند. در مجموع جنگ اول خلیج (فارس) برای امریکا تقریباً مجانی بود. اما این ارزیابی یک موضوع را در نظر نمی گیرد و آن هزینه ای است که از ناحیه معلولیت های ناشی از جنگ نصیب سربازان امریکایی گردید. اکنون بعد از شانزده سال از آن

زمان، امریکا سالیانه ۴/۳ میلیارد دلار غرامت به

آسیب دیدگان که جمعیتی در حدود ۲۰۰ هزار

نفر را تشکیل می دهند، پرداخت می کند. قبل از

این پنجاه میلیارد دلار به آسیب دیدگان پرداخت

شده است. این رقم جدای از هزینه ای است که

صرف مسائل پزشکی برای نگهداری سربازان

در کویت و تحقیقات در مورد بیماری موسوم به

«سندرم جنگ خلیج (فارس)» می گردد. همچنین

بایستی کاهش درآمد حدود صد هزار سرباز که

در معرض عوامل شیمیایی ناشی از «سندرم جنگ

خلیج» قرار گرفته اند را در محاسبات لحاظ کرد.

حدود چهل هزار نفر از این افراد معلولیت های

دراز مدت پیدا کرده اند. تردیدی نیست که سو

مدیریت دولت بزرگ ترین عامل تحمیل هزینه

سه تریلیون دلاری به امریکا بوده است.

مسئله این نیست که آیا اقتصاد امریکا توان

پرداخت این سه تریلیون دلار را دارد یا خیر. البته

که اقتصاد امریکا این توان را دارد. دو یا سه

تریلیون دلار امریکا را ورشکست نمی کند. اما

سوال اصلی را به گونه متفاوت تری طرح

می کنیم. با یک تریلیون یا دو تریلیون دلار و یا با

سه تریلیون دلار چه کارهایی می شد انجام داد؟

و برای چه چیزی چنین فداکاری کرده ایم؟

قاعده هزینه فرصت که در علم اقتصاد رواج

دارد، تا چه میزان رعایت شده است؟ آقای بوش

در ابتدای روی کار آمدن خود از جدی بودن

بحران تأمین اجتماعی در امریکا سخن می گفت.

ما به جای پرداخت چنین هزینه گزافی در جنگ

عراق می توانستیم مشکل تأمین اجتماعی را

### ارزش سه تریلیون دلار

برای آنکه بدانیم با سه تریلیون دلار چه کارهایی

می شد کرد به نکات زیر توجه کنید. تنها با یک

تریلیون دلار می توان کارهای زیر را انجام داد. با

آن می توان هشت میلیون واحد منزل مسکونی

جدید ساخت. می توان پانزده میلیون معلم برای

مدارس دولتی و به مدت یک سال استخدام کرد.

می توان هزینه یک سال حضور ۱۲۰ میلیون

دانش آموز را پرداخت کرد تا در کلاس های

آمادگی شرکت کنند. یا می توان با آن ۳۵۰ میلیون

کودک را به مدت یک سال بیمه درمانی کرد. یا

اینکه برای ۴۳ میلیون دانش آموز یک بورسیه

چهار ساله تحصیلی در دانشگاه دولتی فراهم

نمود. حالا شما همین اعداد را سه برابر کنید تا

متوجه شوید با سه تریلیون دلار چه کارهایی

می شد انجام داد.

ممکن است گفته شود این مخارج برای

تأمین امنیت صورت گرفته است. صرف نظر از

اینکه آیا چنین شده است یا نه این سوال مطرح

است که آیا این بهترین راه برای تأمین امنیت بوده

است. اگر این مقدار پول در امور آموزش و

تحقیقات و توسعه فناوری سرمایه گذاری

می شد برای مواجهه با چالش های امنیتی بسیار

مؤثرتر بود. اگر در زمینه توسعه انرژی چنین

مبلغی صرف می شد اکنون نیامندی به نفت با

قیمت بالا نیز به مراتب کاهش پیدا می کرد. اما با

درگیر شدن در این جنگ علاوه بر هدر دادن این

منابع هنگفت امنیت نیز ارتقا پیدا نکرده است. آمریکا متعهد است تا ۷ دهم درصد تولید ناخالص داخلی خود را برای کمک به کشورهای فقیر مصرف کند که نقش زیادی در زندگی بهتر برای فقیرترین انسان‌ها دارد. بر این اساس آمریکا سالانه پنج میلیارد دلار به افریقا کمک می‌کند. این مبلغ فقط هزینه کمتر از ده روز جنگیدن است. تصور کنید با این مبلغ چه طرح‌های کلان توسعه‌ای همانند طرح مارشال و مانند آن را می‌شد در خاورمیانه یا مناطق دیگر جغرافیایی اجرا کرد. در سال ۲۰۰۳ کنگره مبلغ ۱۸۴ میلیارد دلار برای بازسازی عراق تصویب کرد. تنها کاری که در این زمینه صورت گرفت اندکی هماهنگی اداری بین پنتاگون و کنگره بود. یک سال بعد از آن وضع امنیتی عراق به شدت خراب شد و نه تنها اعتماد عراقی‌ها کاملاً از دست رفت، بلکه پول تصویب شده نیز به جای تهیه آب و برق و رفاه، خرج مصارف نظامی نیروهای امریکایی گردید. اتفاقات بعدی شامل ناامنی‌ها و تخریب زیرساخت‌های عراق ثابت کرد که ادعای طرفداران جنگ مبنی بر افزایش رفاه مردم عراق و گسترش دموکراسی تا چه میزان بی‌پایه و اساس بوده است.

و پیامدهای آن را کاهش دهند. برای دانشجویانی که در مورد شکست‌های دولت تحقیق می‌کنند، جنگ عراق یک موضوع خیلی خوب برای مطالعه است. برخی از طرفداران جنگ معتقدند که این جنگ منفعت‌هایی داشته است. تنها منفعتی که برای این جنگ تعریف می‌شد انهدام سلاح‌های کشتار جمعی عراق بود. که بی‌اعتباری آن مشخص شده است. زیرا هیچ ارتباطی بین دولت پیشین عراق و تروریست‌های القاعده وجود نداشت. اما تهاجم به عراق موجب شد تا این کشور به مکانی برای جذب انواع تروریست‌ها تبدیل گردد و عملیات تروریستی در آنجا به شدت افزایش یابد. کسانی بودند که استدلال می‌کردند که جنگ موجب خواهد شد قیمت نفت پایین بماند و ثبات عرضه نیز تضمین شود. به خوبی می‌توان بی‌اعتبار بودن این ادعاها را ملاحظه کرد. حتی اگر برخی بتوانند منفعتی برای این جنگ تصور کنند آنها را از این موضوع بی‌نیاز نخواهد کرد که یک ارزیابی درست و دقیق از هزینه‌ها به دست دهند.

### تهاجمی بیهوده

در ۱۹ مارس سال ۲۰۰۳ آمریکا به همراه متحدان خود تهاجم به عراق را آغاز کردند و جهان را با شک و بهت روبه‌رو ساختند. نیروهای صدام حسین به سرعت متلاشی شدند. در آن موقع اقتصاد عراق کمتر از یک صدم اقتصاد آمریکا بود. عراق قبل از این ده سال بیهوده با ایران

وضعیت پدید آمده در جنگ عراق حاصل یک اشتباه نبود. بلکه زنجیره‌ای از اشتباهات به همراه یکدیگر و در طی چند سال مسبب چنین وضعیتی گردید. دانشمندان علم سیاست در تلاش هستند تا منشأ این اشتباهات سیستماتیک و بی‌پایه را درک کرده و از تکرار آنها جلوگیری کنند

جنگیده بود که در آن صدها هزار عراقی کشته شده بودند و متعاقب آن وارد جنگ خلیج (فارس) گردید که بین ۷۵۰۰۰ تا ۱۰۵ هزار سرباز عراقی جان خود را از دست دادند. پس از آن بیش از یک دهه تحریم بین‌المللی را تحمل کرده بود. بنابراین اگر به سرعت در مقابل حمله آمریکا متلاشی نمی‌شد کار شگفت‌آوری رخ داده بود. حدود شش هفته بعد رئیس‌جمهور بوش اعلام کرد که ماموریتش به انجام رسیده است در حالی که اینطور نبود. ماموریت وی تنها شکست نیروهای عراق نبود. او گفته بود که یک دموکراسی در عراق ایجاد خواهد کرد. برای معماران نئومحافظه کار ایجاد دموکراسی در عراق اولین قدم بود که متعاقب آن می‌بایست خاورمیانه دموکراتیک شکل می‌گرفت و در آن صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیل محقق می‌شد. نه تنها این خاورمیانه دموکراتیک بوجود نیامد بلکه عراق آزاد و دموکراتیک نیز هنوز شکل نگرفته است.

### جنگی طولانی تر از همه جنگ‌های آمریکا

اکنون بیش از پنج سال است که از حضور آمریکا در عراق می‌گذرد. با نگاهی به حضور آمریکا در جنگ‌های دیگر متوجه می‌شویم که این زمان چقدر طولانی شده است. آمریکا سه سال و هشت ماه درگیر جنگ جهانی دوم بود. دو سال و دو ماه در جنگ جهانی اول حضور داشت. سه سال و یک ماه درگیر جنگ کره بود. حتی جنگ‌های داخلی آمریکا بیش از چهار سال طول نکشید. با این حال در پی بیشتر از پنج سال

حضور در عراق پیشرفت‌های اندکی حاصل شده است. عراق گرفتار مخاصمات فرقه‌ای شده است و کل منطقه نیز ناامن تر شده است. تنفر از آمریکا حتی در کشورهای متحد آمریکا افزایش یافته است. برخی نظر سنجی‌ها در داخل کشورهای متحد آمریکا نشان می‌دهد که افکار عمومی آمریکا را خطرناکترین تهدید و به مراتب بزرگ‌تر از تهدید کره شمالی یا ایران که آمریکا آنها را محور شرارت دانسته است، معرفی می‌کنند. در داخل عراق نیروهای آمریکایی را نه تنها نیروی آزادیبخش نمی‌دانند بلکه از آنها به عنوان اشغالگر یاد می‌کنند. نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که ۷۰٪ مردم عراق خواهان آن هستند که نیروهای آمریکایی عراق را ترک کنند. شرایط بد اقتصادی قطع طولانی آب و برق و فقدان بهداشت و امنیت وضع خطرناکی در عراق ایجاد کرده است. تا کنون تخمین زده می‌شود که بین صدهزار تا صد و پنجاه هزار عراقی در خشونت‌ها کشته شده‌اند. با افزودن نرخ بالای مرگ و میر به دلیل عوامل مرتبط دیگر این رقم تا هفتصد هزار نفر یا بیشتر از آن هم برآورد می‌شود.

هزینه عملیات مستقیم نظامی (منهای هزینه درازمدت نگهداری و درمان معلولان) در جنگ عراق حتی از جنگ ویتنام هم فراتر رفته است. همچنین دو برابر هزینه جنگ کره را در بر گرفته است. حتی در بهترین شرایط هزینه جنگ جاری ده برابر بیشتر از کل هزینه جنگ اول خلیج (فارس) است. تقریباً سه برابر هزینه جنگ ویتنام و دو برابر هزینه جنگ جهانی اول می‌باشد. تنها

جنگی که در تاریخ امریکا هزینه آن از جنگ کنونی امریکا در عراق بیشتر شده است جنگ جهانی دوم می باشد که در آن شانزده میلیون و سیصد هزار سرباز امریکایی به مدت چهار سال درگیر جنگ بودند. هزینه آن با نرخ دلار سال ۲۰۰۷ و بعد از تعدیل نرخ تورم، در حدود پنج تریلیون دلار بود. با در نظر گرفتن همه سربازانی که علیه آلمان و ژاپن می جنگیدند هزینه هر سرباز (به نرخ دلار امروز) کمتر از ۱۰۰۰۰۰ دلار بوده است. در جنگ عراق این هزینه به ازای هر سرباز مستقیماً در حدود ۴۰۰۰۰۰ دلار می باشد.

### هزینه های برآورد شده اولیه و هزینه های واقعی

برآوردهای اولیه که توسط دولت برای این جنگ ارائه می گردید اصلاً چنین رقم هایی را پیش بینی نمی کرد. لاری لیندسی مشاور اقتصادی رئیس جمهور می گفت که با ۲۰۰ میلیارد دلار این جنگ به انجام خواهد رسید. این در حالی بود که وزیر دفاع دونالد رامزفلد رقم مورد اشاره لیندسی را بسیار باد کرده و غیرواقعی توصیف کرد و حتی کسانی مانند پل ولفویترز بر این نکته پافشاری می کردند که هزینه های بازسازی بعد از جنگ توسط فروش نفت عراق تأمین خواهد شد. رامزفلد و میچ دانیلز مدیر برنامه و بودجه هزینه ای در حدود پنجاه تا شصت میلیارد دلار را برآورد می کردند که البته بخش قابل توجهی از آن هم توسط کشورهای دیگر تأمین می گردد. بقیه اعضای کابینه نیز رقم هایی در همین حدود

و حتی کمتر را معرفی می کردند. آندرو ناتسیوس مدیر آژانس توسعه در مصاحبه خود با تد کاپل در تلویزیون ای بی سی در آوریل ۲۰۰۳ بر این باور بود که عراق با یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار ساخته خواهد شد. اما همین مدیر بسیار ارجمند وقتی از مقامات دیگر شنید که جنگ عراق دویست میلیارد دلار هزینه خواهد داشت افزود که «البته انجام موفق آمیز جنگ برای اقتصاد مفید خواهد بود» لیندسی به نحو فاحشی هم هزینه جنگ را دست کم گرفت و هزینه اقتصاد را مورد بی توجهی قرار داد. برای اثبات این مدعا توجه کنید که کنگره فقط برای سال مالی ۲۰۰۸ مبلغ ۸۴۵ میلیارد دلار برای عملیات نظامی، بازسازی و مخارج سفارت و تقویت امنیت پایگاه های امریکا در عراق و افغانستان بودجه تصویب کرده است. بدین ترتیب در سال ۲۰۰۸ که پنجمین سال جنگ نیز به پایان می رسد، مخارج جنگ در عراق هر ماه بیش از ۱۲.۵ میلیارد دلار است. این رقم در سال ۲۰۰۳ ماهانه ۴.۴ میلیارد دلار بود. اگر بودجه جنگ افغانستان را نیز به آن اضافه کنیم این رقم در هر ماه به شانزده میلیارد دلار، یعنی معادل بودجه یک سال سازمان ملل، می رسد. اگر این رقم را به سرانه امریکایی ها تقسیم کنیم هر امریکایی ماهانه ۱۳۸ دلار برای جنگ در عراق و افغانستان پرداخت می کند. این بودجه جدای از آن ۵۰۰ میلیارد دلاری است که سالانه خرج مسائل دفاعی می گردد. همچنین هزینه های مخفی که صرف عملیات جاسوسی می گردد در

ذیل این بودجه منظور نشده‌اند. این‌ها فقط بخش‌هایی از هزینه‌های جنگ هستند.

### افزایش هزینه‌ها و نیروهای خصوصی

دلایل مختلفی برای افزایش هزینه‌های سالانه این جنگ می‌توان برشمرد. یکی افزایش هزینه‌های پرسنلی نیروهای نظامی و پیمانکاران نظامی است. عامل دیگر افزایش تعداد پیمانکاران در عراق و افغانستان است که از اموری همچون تهیه غذا تا نظافت و ارائه خدمات نظامی تا تعمیر و نگهداری سلاح‌ها تا حفاظت از دیپلمات‌های امریکایی را در اختیار دارند. گزارش وزارت دفاع در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که بیش از یکصد هزار پیمانکار خصوصی در حال حاضر مشغول هستند که این تعداد به نسبت زمان جنگ اول خلیج (فارس) در سال ۱۹۹۱ ده برابر رشد کرده است. نیروهای نظامی بدون این پیمانکاران نمی‌توانند کار کنند. در بسیاری از موارد آنها شانه به شانه نیروهای نظامی همه کاری انجام می‌دهند. براساس آمار از سال ۲۰۰۳ تا کنون حدود هزار نفر از این پیمانکاران کشته شده‌اند.

تهاجم به عراق امکانی فراهم کرده است تا بخش نظامی خصوصی و شرکت‌هایی به همین منظور پدید آیند. در سال ۲۰۰۷ فقط وزارت دفاع چهار میلیارد دلار خرج گاردهای امنیتی کرده است. این هزینه در سه سال قبل از آن یک میلیارد دلار بود. شرکت امنیتی بلک واتر در سال ۲۰۰۳ با ۲۷ میلیون دلار برنده مناقصه‌ای شد که کار آن حفاظت از پل برمر فرماندار تعیین شده امریکا در

عراق بود. یک سال بعد این قرار داد به یکصد میلیون دلار ارتقا یافت و در سال ۲۰۰۷ این قرارداد به یک میلیارد و دویست میلیون دلار رسید و ۸۴۵ پیمانکار را نیز در استخدام گرفته است. در سال ۲۰۰۷ نیروهای حفاظت خصوصی که برای شرکت‌های بلک واتر و داین کورپ<sup>۲</sup> کار می‌کردند روزانه ۱۲۲۲ دلار دریافت می‌کردند که جمع آن برای یک سال ۴۴۵۰۰۰ دلار می‌شد. در مقابل یک درجه دار ارتش روزانه ۱۴۰ تا ۱۹۰ دلار دریافت می‌کرد که جمع آن در سال ۵۱۱۰۰ دلار تا ۶۹۳۵۰ دلار می‌شد.

افزایش پیمانکاران نظامی خصوصی تبعات دیگری هم به همراه داشته است. این کار رقابت منفی بین خود نیروهای نظامی را افزایش داده است. نیروهای در اختیار ارتش با مقایسه دستمزد خود با نیروهای بخش خصوصی انگیزه خود را از دست می‌دهند. بسیاری از این نیروها منتظر پایان دوره تعهد خود هستند تا به محض خاتمه آن به یکی از این بخش‌های نظامی خصوصی بپیوندند. از این طریق بسیاری از نیروهای کارآمد ارتش دچار ریزش می‌گردند. چنین روندی به زیان ارتش تمام می‌شود.

پرسش خیلی جدی در مورد اینکه ایجاد بخش‌های نظامی تا چه حد با مصلحت و عقلانیت سازگار است وجود دارد. این تردیدها نه فقط به خاطر هزینه بسیار بالاتر این نیروهاست. بلکه مشکل بزرگ‌تر این است که این نیروها تابع نظم ارتش نیستند. هرچند آنها هم پر تلاش و

وفادارند اما نظم و مقررات کمتری بر آنها حاکم است. بی‌رحمی و تخلفاتی که برخی از آنها مرتکب شدند اثرات مخربی به همراه داشت. چنین اتفاقاتی با اعمال مقررات نظامی امکان‌پذیر نبود. امور نظامی همواره از اعمال تصدی دولت‌ها بوده است. دلایل قابل قبولی وجود دارد که چرا کشورهایی که بخش‌های زیادی از اقتصاد خود را خصوصی می‌کنند، از خصوصی‌سازی امور نظامی اجتناب می‌کنند. سپردن امور نظامی به پیمانکاران علاوه بر معایب گفته شده، یک عیب بزرگ دیگر هم دارد. این موضوع امکان فساد مالی و سودجویی را بیشتر می‌کند. اتهامات پرداخت‌های خیلی زیاد به هالیبرتون<sup>۳</sup> پیمانکار دفاعی که رسماً بوسیله دیک چنی اداره می‌شود یک نمونه از این امکان بروز فساد است.

### بودجه ملی و هزینه‌های پنهان

هزینه‌های جنگ برای بودجه ملی آمریکا هر روز سنگین‌تر می‌شود. در آینده این هزینه‌ها بیشتر هم خواهد شد. بسیاری از هزینه‌ها اکنون قابل مشاهده نیستند. به عنوان مثال در جنگ اول خلیج (فارس) که تنها چند هفته به طول انجامید ۱۴۷ سرباز کشته شدند و ۲۳۵ نفر هم مجروح گردیدند. اما بعداً ۴۵٪ از هفتصد هزار سربازی که از صحنه جنگ برگشتند فرم معلولیت پر کردند که بیش از ۸۸٪ آنها تأیید گردید. در نتیجه برای همین یک قلم سالانه ۴ میلیارد و سیصد میلیون دلار به بودجه معلولان افزوده شد. در

جنگ کنونی این موضوع بسیار فراتر خواهد رفت. ما شاهد هزینه زیادی در مورد کهنه سربازان هستیم. ۲۶۳۰۰۰ نفر از سربازان جنگ عراق و افغانستان آسیب دیده‌اند. از این افراد بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر به خاطر مشکلات روانی تحت معالجه قرار گرفته‌اند. در ۵۲ هزار نفر از آنها اختلالات موسوم به افسردگی بعد از معلولیت (PTSD) تشخیص داده شده است. ۱۸۵ هزار نفر نیازمند خدمات مشاوره‌ای و بازتوجهی برای اصلاح رفتار می‌باشند. تا دسامبر ۲۰۰۷ تعداد ۲۲۴۰۰۰ سرباز بازگشته از عراق فرم معلولیت پر کرده‌اند. اکثر اینها دارای شواهدی مبنی بر چند معلولیت توأم با یکدیگر می‌باشند. میانگین ادعاها توأم بودن پنج مشکل شامل (آسیب شنوایی، بیماری‌های پوستی، آسیب به بنیایی، دردهای ستون فقرات و آسیب‌های روانی) را نشان می‌دهد. بعضی از معلولان واقعاً از بد شانس‌ی بزرگ‌تری رنج می‌برند که گرفتار آسیب‌های مغزی، سوختگی اعصاب بینایی و آسیب‌های نخاعی گردیده‌اند. برخی از آنها چند تا از این مشکلات را با هم پیدا کرده‌اند که پزشکان آن را تحت عنوان جراحات ترکیبی<sup>۴</sup> نام‌گذاری کرده‌اند. از هرچهار سرباز مراجعه‌کننده یک نفر مدعی است که هشت مشکل را با همدیگر دارد. بسیاری از آنان از موج انفجار آسیب دیده‌اند که مستقیماً تأثیر خود را بر روی مغز<sup>۵</sup> ایجاد می‌کند. نرخ مرگ و میر سربازان

3. Halliburton 4. Polytrauma  
5. Trauma Brain Injury- TBI



در اثر TBI سابقاً بالای ۷۵٪ بود. اکنون بسیاری از این آسیب دیدگان در اثر خدمات درمانی که به آنها می‌رسد، زنده می‌مانند. این دسته از مجروحان در کمتر از ۲۴ ساعت به پایگاه هوایی لندستوهل در آلمان انتقال می‌یابند و مراقبت‌های پزشکی آنان را از مرگ نجات می‌دهد. اما مشکلات بزرگی پیدا می‌کنند و تا پایان عمر از اثرات این معلولیت شدید رنج می‌برند. هزینه‌های هنگفتی برای مداوای این معلولان مورد نیاز است. هر چند بر مشکل این مجروحان سرگردانی آنان بین دوایر وزارت دفاع و امور مجروحان و پاس کاری آنان از این ارگان به آن ارگان را نیز باید افزود.

### هزینه‌های درمانی معلولان

در حال حاضر ۲۴ میلیون کهنه سرباز در آمریکا وجود دارند که حدود سه و نیم میلیون از آنان به همراه خانواده‌هایشان از مزایای معلولیت استفاده می‌کنند. در سال ۲۰۰۵ بودجه سالانه ایالات متحده برای معلولان جنگ‌های پیشین ۳۴/۵ میلیارد دلار بود که به ترتیب شامل ۲۱۱۷۲۹ نفر از جنگ اول خلیج (فارس)، ۹۱۶۲۲۰ نفر از جنگ ویتنام، ۱۶۱۵۱۲ نفر از جنگ کره، ۳۵۶۱۹۰ نفر از جنگ دوم جهانی و ۳ نفر از جنگ اول جهانی می‌گردیدند. همچنین سالانه یک میلیارد دلار به عنوان بازنشستگی معلولان پرداخت می‌شده است. با وجود یک میلیون و ششصد هزار سرباز که در جنگ‌های عراق و افغانستان شرکت داشته‌اند و تعداد بیشتری که در ادامه این جنگ

حضور خواهند یافت قابل پیش‌بینی است که بودجه مربوط به معلولان به نحو فوق‌العاده‌ای افزایش خواهد یافت. از این تعداد سرباز تا دسامبر ۲۰۰۷ تعداد ۷۵۱ هزار نفر از خدمت مرخص شده‌اند. این افراد به طور بالقوه همگی استحقاق دریافت مزایا را دارند. ۲۲۴۰۰۰ نفر از آنان تا دسامبر ۲۰۰۷ اعلام معلولیت کرده‌اند که حدود ۹۰٪ این ادعای معلولیت‌ها نیز تأیید شده است. برآورد می‌شود که برای تحت پوشش قرار دادن این افراد به بودجه‌ای بین ۲۲۹ میلیارد تا ۳۷۲ میلیارد، بسته به نوع پوشش، نیاز باشد. این برآورد برخی هزینه‌های دیگر مثل مراقبت‌های پزشکی دولتی یا خصوصی، ناتوانی و از دست دادن شغل را نیز محاسبه نکرده است.

### هزینه‌های غیر قابل پرداخت

اینها بخش‌هایی از هزینه‌های آشکار جنگ است. واضح است که هزینه‌های پنهان جنگ بسیار فراتر از اینها خواهد بود. برخی هزینه‌ها را نیز دولت یا پرداخت نمی‌کند یا اینکه امکان پرداخت آنها را ندارد. از آن جمله به هزینه‌هایی همچون ارزش اقتصادی از دست دادن زندگی، ارزش اقتصادی معلولیت‌های شدید، ارزش اقتصادی فقدان سلامت روانی، ارزش اقتصادی آسیب دیدگی کیفیت زندگی، رنجی که خانواده معلول متحمل خواهد شد، هزینه‌هایی که اجتماع پرداخت خواهد کرد و بسیاری دیگر از هزینه‌ها قابل محاسبه عددی نیستند. نویسندگان کتاب هزینه‌های جنگ برای عراق و بقیه جهان را نیز به

اختصار مورد توجه قرار داده‌اند. تأثیر بر بازار نفت و مشکلات فراوان اقتصادی ناشی از جنگ برای اقتصاد جهانی نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

### فرجام

کتاب جنگ سه تریلیون دلاری سند مهمی برای نشان دادن سیاست‌های غیرمنطقی است که یکی از بزرگ‌ترین فجایع در تاریخ سیاست خارجی آمریکا را رقم زد. نویسندگان کتاب با نگاهی اقتصادی به جنگ و پیامدهای آن نگرسته‌اند. آنان اعداد و ارقام فراوانی را در مورد هزینه‌های جاری جنگ و هزینه‌های آینده آن ارائه کرده‌اند. آنگونه که نویسندگان کتاب یادآور شده‌اند جنگ عراق نتیجه یک اشتباه نبود و زنجیره‌ای از اشتباهات در طی زمانی طولانی منجر به چنین فاجعه‌ای گردیده است. آنان به خوبی اشاره کرده‌اند که این جنگ شاهد محکمی بر عدم شایستگی تصمیم‌گیرندگان کنونی در امریکا است. این موضوع نشان می‌دهد که وجود یک دولت غیرشایسته و غیرمسئول چه تبعات مصیبت‌باری را می‌تواند به وجود آورد. دولت جرج دبلیو بوش به زودی کاخ سفید را ترک می‌کند. اما میراث دولت جورج بوش برای میلیون‌ها آمریکایی و نیز غیرآمریکایی‌هایی که از سیاست‌های این دولت متأثر بودند همچنان باقی خواهد ماند.

این کتاب پیام مهم دیگری نیز به همراه خود دارد. آن پیام این است که در روبرو بین‌المللی

کنونی جنگ نمی‌تواند به عنوان ابزاری مناسب برای حل مشکلات بین‌المللی در نظر گرفته شود. هرچند در مورد مناسب نبودن این ابزار در گذشته نیز دلایل فراوانی می‌توان ارائه کرد. بیان کلان‌ویژتس در مورد اینکه «جنگ تداوم سیاست منتهی با ابزارهای دیگری است»<sup>(۱)</sup> شاید هنوز مورد توجه برخی از استراتژیست‌ها و سیاستمداران باشد. اما عدم کارایی جنگ در حل مشکلات و هزینه‌هایی که به جوامع مختلف تحمیل می‌کند، ایجاب می‌کند تا به هر شکل ممکن از آن اجتناب شود. بنابراین عصر کلان‌ویژتس و توسل به جنگ به عنوان ابزار سیاست سپری شده است. تجربیات کسب شده از جنگ‌های متعدد، و به ویژه در دهه‌های اخیر، ناتوانی جنگ را برای حل مشکلات امروزی دنیا به اثبات رسانده است. ممکن است در یک نبرد مثل آنچه در عراق یا افغانستان اتفاق افتاد، قدرت نظامی عظیمی همانند آمریکا و متحدانش به سرعت رقیب را شکست دهند. اما آیا شکستن رقیب به معنی دستیابی به اهداف یک جنگ نیز هست؟ واقعیت‌های عراق و افغانستان غیراز این را نشان داده است.

### پی‌نوشت‌ها

1. Joseph E. Stiglitz and Linda J. Bilmes, "The Three Trillion Dollar War, The True Cost of The Iraq Conflict", **Penguin Books**, London and New York, 2008.
2. Clausewitz, "On War", Edited by Anatole Rapoport, **Penguin Books**, London, 1974, p. 119.